

مجلس شورای ملی افغانستان
و صلاحیت نمایندگان
غلام یحیی طاهری*

چکیده

پارلمان به عنوان نهاد قانون گذار و منتخب مردم از جایگاه و اهمیت خاص در نظام های سیاسی مبتنی بر اصول دموکراسی برخوردار است. در این مقاله به بررسی جایگاه و صلاحیت های نمایندگان پارلمان افغانستان از منظر حقوقی پرداخته شده است. یکی از چالش های موجود فرا راه دموکراسی در جامعه افغانستان عدم آگاهی شهروندان از قوانین تشخیص داده شده است. مهم ترین وظایف نمایندگان پارلمان افغانستان وضع قوانین و نظارت بر قوه مجریه است. همچنین وظایف مهم دیگری را قانون اساسی به عهده نمایندگان قرار داده است.

واژگان کلیدی: پارلمان، مجلس، شورای ملی، وظایف، صلاحیت ها، قانون گذاری، نظارت.

* کارشناس ارشد (ماستری) حقوق جزا و جرم شناسی

مقدمه

سر انجام تابستان سال گذشته دومین دوره انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی افغانستان برگزار گردید. در این انتخابات نیز شاهد آن بودیم که مانند سایر پدیده‌های اجتماعی در جامعه بحران زده افغانستان باعث بروز رفتارهای نابهنجار و غیر متعارف اجتماعی گردید. شاهد این سخن، ثبت نام بی ضابطه افراد (به صورت فله‌ای) برای نامزدی نمایندگی مجلس شورای ملی در دومین دوره می‌باشد، با نگاه دوباره به لیست افراد کاندید شده به این نتیجه می‌رسیم که در برخی از حوزه های انتخابیه به تعداد قبایل ساکن در یک ده و قریه (روستا) افراد داوطلب نمایندگی وجود داشته است. از طرفی شاهد تبلیغات اغوا کننده و خارج از صلاحیت برخی از کاندیداتورهای مجلس شورای ملی بودیم که گذشته از علل و عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که می‌توان برای آن یافت؛ شاید عدم آشنایی جامعه و افراد داوطلب نمایندگی، با صلاحیت‌های قانونی نمایندگان، یکی از عوامل مهم وجود این پدیده باشد. در این مقاله به صورت کوتاه به بیان وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس شورای ملی افغانستان صرفاً از منظر حقوقی مطابق اصول قانون اساسی می‌پردازیم.

پیشینه پارلمان در افغانستان

جهت اجتناب از اطاله کلام به صورت کوتاه و اختصار به این مطلب می‌پردازیم: اولین قانون اساسی افغانستان در ۲۰ حمل (فروردین) ۱۳۰۲ شمسی تحت نام نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان، در زمان شاه امان الله توسط هشتصد تن از ارکان دولت و سران اقوام و قبایل افغانستان که شاه در شهر جلال آباد به نام «لویه جرگه» دعوت نموده بود به تصویب رسید. در این قانون ۷۳ ماده ای برای اولین بار تعداد محدودی از حقوق سیاسی و مدنی مردم تأمین می‌شد و قدرت شاه توسط قانون محدود می‌گردید.^۱ بعداً شاه در لویه جرگه

پغمان(۱۳۰۷/۶/۱۴) تأسیس پارلمانی مرکب از یک صد و پنجاه عضو را پیشنهاد کرد و از سوی اعضای لویه جرگه ، هرچند با بی میلی ، تصویب شد.

اگر چه امان الله خان خود موفق به تشکیل پارلمان یا شورای ملی نشد اما پس از او نادر خان که به قدرت رسید در ماه میزان(مهر) ۱۳۰۹ لویه جرگه ای را که مرکب از اشخاص دست چین از سران قبایل و اقوام و ریش سفیدان مناطق شهری بود، در شهر کابل دایر کرد. این مجلس علاوه بر تأیید پادشاهی نادرخان، هیئتی ۱۵۰ عضوی را از جمع خود جهت تصویب قانون اساسی تعیین نمود. این هیئت شورای ملی نامیده شد، و چندی پس از آن، مجلس اعیان مرکب از بیست و هفت نفر اعضای انتصابی از سوی شاه، تأسیس گردید. دوره فعلی مجلس شورای ملی چهاردهمین دوره شورای ملی در افغانستان می باشد.^۲

ساختار و تشکیلات پارلمان افغانستان

الف: ساختار

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، شورای ملی متشکل از ولسی جرگه و مشرانو جرگه (مجلس نمایندگان و سنا) می باشد.^۳ نمایندگان عضو هریک از دو مجلس با شیوه ای متفاوت انتخاب می شوند.

الف) اعضای ولسی جرگه (مجلس نمایندگان) توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم برای مدت پنج سال انتخاب می گردند.^۴ این افراد بایستی واجد شرایط نمایندگی در این مجلس باشند، که بر اساس قانون اساسی عبارتند از: «شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید یا تعیین می شود ، علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذیل می باشد:

۱- تبعه افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید یا تعیین شدن تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد؛

۲- از طرف دادگاه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

۳- اعضای ولسی جرگه سن بیست و پنج سالگی را در روز کاندیدا شدن و اعضای مشرانو جرگه سن سی و پنج سالگی را در روز کاندید یا تعیین شدن تکمیل کرده باشند.^۵

ب) اعضای مشرانو جرگه: مشرانو جرگه مرکب از دو دسته اعضای انتخابی و انتصابی است. در مجموع از هر ولایت دو نفر: یکی از سوی شورای ولایتی برای مدت چهار سال و دیگری از سوی شوراهای ولسوالی ها برای مدت سه سال از میان اعضای این شوراها انتخاب می‌شوند. یک سوم باقی مانده از جمله شخصیت‌های خبیر و با تجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر نمایندگان کوچی‌ها (عشایر) به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال انتخاب می‌شوند که پنجاه فیصد از این اشخاص از بین زنان تعیین می‌شود.

طبیعی است شخصی که به حیث عضو مجلس سنا انتخاب می‌شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده، به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می‌گردد.^۶

ب: تشکیلات

قانون اساسی هر یک از دو مجلس شورای ملی را موظف می‌کند تا در آغاز دوره قانونگذاری هیئت اداری خویش را انتخاب و کمیسیون های دائمی را ایجاد نمایند اما تعیین وظایف هیئت اداری، تعداد کمیسیون ها و نحوه تشکیل آنها را به اصول وظایف داخلی هر یک از مجالس شورای ملی وا می‌گذارد.^۷

بر این اساس، هر مجلس دارای هیئت اداری، کمیسیون های دائمی، کمیته رؤسا، دارالانشاء و اداره امور می‌باشد. هیئت اداری مطابق قانون اساسی مرکب است از یک رئیس، دو نفر به حیث نایبان اول و دوم و دونفر دیگر به حیث منشی و نایب منشی می‌باشد.

هیئت اداری جرگه مطابق ماده هشتاد و هفتم قانون اساسی مشتمل است بر رئیس جرگه، نایبان اول و دوم، منشی و نایب منشی، کمیته رؤسای جرگه مشتمل است بر هیئت اداری رؤسای گروپ های پارلمانی و رؤسای کمیسیون های دایمی.

«ولسی جرگه» دارای ۱۸ کمیسیون دایمی و «مشرانو جرگه» دارای یازده کمیسیون دایمی می‌باشد. همچنین هر دو مجلس دارای گروه‌های پارلمانی می‌باشند: «اعضای جرگه بر مبنای اشتراک نظریات شان می‌توانند در گروه‌های پارلمانی (فراکسیون‌ها) متشکل شوند. حداقل تعداد اعضا برای تشکیل گروه پارلمانی در ولسی جرگه بیست و سه نفر و در مشرانو جرگه پانزده نفر می‌باشد. هر عضو جرگه صرف متعلق به یک گروه پارلمانی خواهد بود.^۸

ج: وظایف و صلاحیت‌ها

قانون‌گذاری

در نظام‌های مبتنی بر تفکیک قوا که بر بنیاد اندیشه متفکران چون منتسکیو و دیگران پایه ریزی شده است. فلسفه وجودی قوه مقننه یا مجالس قانون‌گذاری وضع قوانین می‌باشد، در نظام‌های دموکراتیک مدرن، نخستین وظیفه هیئت قانون‌گذاری، تصویب قوانین موضوعه است.^۹ لذا، «وضع قانون وظیفه اصلی پارلمان است، یعنی آنچه در تعریف و قلمرو قانون جای می‌گیرد، قاعدتاً در حیطه صلاحیت‌های پارلمان خواهد بود. در رژیم‌های نماینده سالار و دموکراسی‌های غیر مستقیم، پارلمان مهمترین رکن برای اعمال اداره عام از طریق وضع قوانین و مقررات است.^{۱۰}»

اصل حاکمیت قانون از اساسی‌ترین اصول پذیرفته شده در جوامع امروزی است که حاصل دسترنج مبارزات دراز مدت آزادی‌خواهان در جوامع مختلف می‌باشد. همین مبارزات علیه خود کامگی‌ها، خودسری‌های حاکمان و تعدیات و تجاوزات آنان در حقوق شهروندان بود که منجر به پذیرش این امر گردید که روابط کارگزاران و شهروندان بایستی بر مینا و چهارچوب قراردادهای حقوقی مدون صورت پذیرد. به موجب این اصل است که کلیه فعالیت‌های دولتی در سیطره‌ی نظارتی قانون قرار گرفت که خود نهاد قانون‌گذاری و سایر نهادها متولی امور نیز تابع قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه است و این امر در قانون اساسی افغانستان به صراحت گنجانده شده است.^{۱۱}

بنابراین، اصل حاکمیت قانون اقتضا دارد که همه امور کشور و جامعه بر طبق قواعد و قوانین عام باشد که بر اساس آن، همه مردم از حقوق و تکالیف یکسان برخوردار گردند و تمام امور کشور به شمول امور حاکمیتی از مجرای قانونی اعمال گردد. «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشد.»^{۱۲}

۱-۱ انواع قوانین

قواعد یا قوانین حقوقی را به لحاظ سلسله مراتب بر حسب اهمیت آن دسته بندی و به تنظیم سلسله مراتب آن‌ها می‌پردازند. هدف اصلی در این دسته بندی این است که براساس اصل قانونی بودن امور، باید ارتباط هماهنگ و شبکه‌ای بین قواعد وجود داشته باشد. و کلیه قواعد قابل اجرا در یک کشور ضمن داشتن ارتباط منسجم از خط و مشی معین پیروی کند تا نظم حقوقی شکل بگیرد و این نظم در سایه‌ی احترام به اصول کلی است به وجود آید. قاعدتاً برای دسترسی به این هدف و تنظیم سلسله مراتب، بنا را بر جنبه شکلی بودن قواعد می‌گذارند. یعنی اهمیت یک قاعده را برحسب واضح آن مورد سنجش قرار می‌دهند. بنابراین، قواعد حقوقی به صورت زیر دسته بندی می‌شود: ۱- قانون اساسی - اعمال «هیئت مؤسس» ۲-

قوانین عادی «اعمال قوه مقننه» ۳- تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها «اعمال قوه مجریه»

۱-۱-۱. قانون اساسی: قانون اساسی به دلیل اینکه ارتباط مستقیم با ساختار کلی حقوقی - سیاسی یک کشور دارد از اهمیت ویژه برخوردار است.^{۱۳} که به لحاظ محتوایی ساختار اصلی نظام سیاسی و حقوقی یک کشور را معین می‌سازد و از نظر شکلی نیز تصویب و تعدیل آن مراحل مختص به خود را دارد به همین دلیل در نظام حقوقی کلیه کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به علت جایگاه رفیع آن نسبت به سایر قوانین است که قانون اساسی افغانستان بیان داشته است «اطاعت از آن وجیبه تمام مردم افغانستان است»^{۱۴}

۱-۱-۲. قوانین عادی

قوه مقننه (پارلمان) ارگانی است که به نمایندگی از مردم همواره متناسب با مقتضیات جامعه به امر قانون گذاری پرداخته و به نیازهای متحول و روزمره جامعه پاسخ می‌دهد؛ زیرا نیازهای

فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه متنوع، وسیع و گسترده است که مجالس قانون‌گذاری با توجه به صلاحیت و اختیاری که مردم به آنان داده اند دست به وضع قانون می‌زنند. در واقع، قوانین عادی قوانینی است که با تشریفات که بعداً شرح داده خواهد شد از طرف مجالس قانون‌گذاری وضع و به صورت یک قاعده لازم‌الاجرا برای نهاد اجرایی حکومت، در می‌آید و دولت موظف است بر اساس آن مدیریت نهاد هایش را سازمان دهد.

۱-۳-۱. تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها

تصویب نامه و آیین‌نامه به مقرراتی گفته می‌شود که از سوی قوه مجریه، جهت به اجراء در آمدن قوانین مصوب مجلس، در ادارات و دوایر مربوطه وضع می‌گردد. «صلاحیت قوه اجرایی در وضع قوانین از لوازم وظایف اجرایی است؛ تابع و محدود به قوانین است و از خود اصالت ندارد».^{۱۵}

۲-۱-۳. فرامین تقنینی

قانون اساسی افغانستان پیش‌بینی کرده در صورتی که ضرورت ایجاب نماید، حکومت می‌تواند در حالت تعطیل بودن ولسی جرگه (مجلس قانونگذاری) به جز در امور مربوط به بودجه، فرامین تقنینی صادر کند که این فرامین بعد از توشیح و امضاء رئیس‌جمهور در حکم قانون بوده و قابلیت اجرایی پیدا می‌کند.^{۱۶} و منظور از حکومت هیئت وزرا است که تحت ریاست رئیس‌جمهور اعمال وظیفه می‌کنند.^{۱۷} باید توجه داشت که چنین فرامین تقنینی باید پس از آغاز کار مجلس، در صحن مجلس مورد رسیدگی قرار گیرد و این امر نباید از ۳۰ روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی پس از تعطیلی به تأخیر بیفتد و پس از بررسی در صورتی که از سوی شورای ملی رد نشود به اعتبار خود باقی است و در صورت رد شدن از اعتبار ساقط می‌گردد زیرا، تصویب، تعدیل یا لغو فرامین تقنینی از وظایف و صلاحیت‌های شورای ملی می‌باشد.^{۱۸}

چگونگی وضع قوانین در افغانستان

آنچه مربوط به بحث ما می‌شود قوانین عادی است که مطابق قانون اساسی از دو طریق قابل اعمال است.

الف) شورای ملی:

قانون‌گذاری یکی از وظایف و اختیارات ذاتی نمایندگان مجلس است که نمایندگان ملت از طرف مردم مأموریت دارند با توجه به مقتضیات و نیازمندی‌های جامعه اقدام به وضع قوانین نمایند. نمایندگان در این زمینه از اقتدار عالی برخوردارند. اما اینکه در چه زمانی و چه قوانینی را وضع می‌کنند؟ آیا به نیازها و توقعات اجتماعی پاسخ‌گو هستند یا خیر؟ بستگی به لیاقت، درایت و کیاست نمایندگان و این که در جریان انتخابات چه نوع افرادی وارد مجلس شده اند، دارد. در صورتی که افراد منتخب از میان نخبگان جامعه و آشنا به مسائل سیاسی روز و نیازمندی‌های جامعه باشند بهتر می‌توانند قوانین را در جهت پیشرفت و ترقی و رفاه جامعه وضع نموده و بر اجرای صحیح آن نظارت نمایند. قانون اساسی افغانستان در این راستا مقرر داشته است. «هرعضو شورا در موقع اظهار رأی، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می‌دهد.»^{۱۹}

ب) لویه جرگه

اما مسئله بسیار مهم این است که قانون اساسی صلاحیت نمایندگان مجلس شورای ملی را توسط نهاد دیگری به نام «لویه جرگه» (مجلس بزرگان) محدود ساخته است؛ و تصریح نموده است که «لویه جرگه عالی‌ترین مظهر اراده مردم افغانستان می‌باشد.»^{۲۰} و اتخاذ تصمیم در مورد مسائل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور را به عهده این نهاد قرار داده است.

کیفیت و مراحل قانون‌گذاری

۱- پیشنهاد لایحه قانون از طرف حکومت

از آن جایی که حکومت یا قوه مجریه، امور عمومی و اجرایی کشور را عهده دار بوده و ارتباط مستقیم با مردم دارد که در این میان ممکن است اقدامات حکومت و دولت، برای ملت ایجاد حق و تکلیف را نماید که بایستی بر اساس قانون مصوب پارلمان تعیین گردد. دولت در مقام اجرا نیازمند قانون است بر اساس اصل حاکمیت قانون کلیه امور حکومتی باید مبنای قانونی داشته باشد و دولت نمی‌تواند به صورت خودسر، موجد حق و تکلیف برای ملت شود. لذا، هرگاه ضرورت قانون را تشخیص داد مطابق اصول قانون اساسی مبادرت به ارایه طرح قانونی به مجلس شورای ملی می‌نماید «پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورا و در ساحه تنظیم امور قضائی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته می‌تواند.»^{۲۱} البته باید یادآور شد که «پیشنهاد طرح قانون در مورد بوجه و امور مالی صرفاً از طرف حکومت صورت می‌گیرد»^{۲۲} و این صلاحیت انحصاری است.

۲- پیشنهاد طرح قانون از طرف مجلس

با توجه به اینکه نمایندگان مجلس شورای ملی از دل ملت برخاسته و با نیازمندی‌ها و ضرورت‌های جامعه آشنایی بیشتر دارند در صورت احساس نیاز به تصویب مواد قانونی جهت تسهیل امور جامعه و رفع نیازمندی‌ها و یا رفاه و پیشرفت اجتماعی، می‌توانند با حقی که قانون اساسی برای نمایندگان داده است دست به ابتکارآراء و پیشنهاد طرح قانون بزنند. براین اساس، در صورت صلاحدید نمایندگان هر یک از دو مجلس (ولسی جرگه ویا مشرانو جرگه) می‌توانند طرح قانون را تقدیم آن مجلس نمایند.^{۲۳} چنین طرح باید ۱- حداقل توسط ده نفر از اعضای آن مجلس و یا یکی از کمیسیون‌ها تهیه گردد ۲- یادداشت مبنی بر ضرورت شرایط تقدیم طرح با آن ضمیمه گردد ۳- طرح به امضاء نمایندگان پیشنهاد کننده برسد ۴- طرح تقدیم رئیس مجلس مربوط گردد.^{۲۴}

۳- بررسی و تصویب طرح‌ها

بررسی و تصویب طرح‌ها در هر یک از مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان طی مراحل و تشریفات دارد. تا نمایندگان مجلس شورا با دقت و تدبیر لازم طرح‌ها را مطالعه نمایند و در صورتی که طرح از توجیه قابل قبول برخوردار بود آن را تصویب کنند و در صورت

عدم توجه مناسب و یا مخالفت با قانون اساسی و منافع ملی، به آن رأی منفی بدهند و یا در صورت لزوم برخی مواد ارایه شده را تعدیل نمایند، انجام این امور نیاز به کارشناسی دقیق و بررسی صحیح و صرف وقت لازم را دارا باشد و به همین دلیل یک طرح برای تصویب تشریفات خاص را در مجلس طی می‌کند.

طرح‌های ارائه شده از طرف دولت و یا پارلمان با شرایطی که قبلاً گفته شد ابتدا تسلیم رئیس مجلس می‌گردد. در مورد طرح‌های واصله از حکومت یا اعضای ولسی جرگه که به رئیس مجلس (ولسی جرگه) تقدیم گردیده است در جلسه عمومی اعلام و معرفی می‌گردد در هنگام معرفی یک طرح قانون بایستی نماینده دولت دلایل معرفی طرح را مطرح سازد و از طرف گروه‌های پارلمانی اتخاذ موضوع صورت گیرد و لاقلاً یک پنجم اعضای مجلس مورد تأیید قرار دهند، در غیر این صورت چنین طرحی در فهرست کاری پارلمان قرار نمی‌گیرد و به کمیسیون ارجاع داده می‌شود.^{۲۵} بعد از آن که طرح معرفی گردید و ضرورت آن از طرف ارایه کنندگان بیان شد، طرح قانون معرفی شده ... در جلسه عمومی ثبت، طی مراحل اعلام می‌گردد. هنگامی که پارلمان جلسه نداشته باشد یادداشت طی مراحل اداری گردیده و در نشریه رسمی پارلمان نشر می‌گردد.^{۲۶} لغو طرح‌های پیشنهاد شده در مجلس مشرانو جرگه (سنا) نیز چنین روندی را طی می‌کند.

۳- ارجاع طرح قانون به کمیسیون‌ها

کلیه طرح‌های پیشنهادی قانون، که تقدیم مجلس نمایندگان می‌شود بعد از ثبت و اعلام در یکی از کمیسیون‌هایی که طرح از نظر موضوع به آن مرتبط می‌گردد ارجاع داده می‌شود. دلیل این امر روشن است زیرا فلسفه وجودی کمیسیون‌ها، تخصصی شدن امور است و طرح‌های قانون برای اینکه با وقت بیشتر و کامل‌تر، مورد بررسی قرار گیرد به کمیسیون ارجاع می‌گردد، طرح در کمیسیون مورد بررسی و کارشناسی قرار می‌گیرد؛ در صورت لزوم، کمیسیون‌ها با افراد متخصص در موضوع طرح، مشورت نموده و از نظریات کارشناسی آن‌ها نیز استفاده می‌کنند و می‌توانند از سازمان‌ها و نهاد‌های اجتماعی و ملی و غیر دولتی مشورت بخواهند.^{۲۷} و یا در خلال رسیدگی در صورت لزوم، کمیته مشترک موقت با سایر اعضای

پارلمان و دیگر کمیسیون ها ایجاد نماید.^{۲۸} و بعد از طی مراحل و کار کارشناسی با رأی اکثریت آراء اعضای کمیسیون تصویب، رد و یا تعدیل گردیده و در مدت زمان معینی که از طرف هیئت رئیسه مجلس تعیین شده است توسط گزارشگر کمیسیون چاپ و برای نمایندگان توزیع شود. در گزارش مزبور تصویب، رد و یا تعدیل آن طرح برای اعضای پارلمان سفارش گردد. در صورت عدم ارائه گزارش از طرف کمیسیون در موعد معینه، بحث در مورد طرح ارائه شده بدون گزارش کمیسیون در جلسه عمومی صورت می گیرد.^{۲۹}

۴- رسیدگی در صحن عمومی مجلس

الف) رأی دهی به مواد(بررسی مواد): کلیه طرح ها بعد از آن که طی مراحل را در کمیسیون مربوطه سپری نمود؛ به جلسه عمومی ولسی جرگه به منظور رأی گیری عودت داده می شود. در صورتی که "طرح قانون" پیشنهاد حکومت باشد در ابتدا نماینده دولت در دفاع از طرح صحبت می کند و سپس مخبر کمیسیون گزارش کار کمیسیون را ارائه می دهد پس از آن نمایندگان که خواهان صحبت هستند صحبت می کنند، صحبت افراد مذکور نباید بیش از پنج دقیقه به طول انجامد.^{۳۰} در ضمن اگر نماینده ای اعتراض قانونی یا اصول نامه ای داشته باشد دست خود را بلند نموده و می گوید: اعتراض اصولی دارم.^{۳۱}

ب) رأی گیری نهایی: پس از آن که مواد طرح به صورت ماده به ماده در معرض رأی گیری قرار گرفت و نمایندگان به آن و تعدیلات انجام گرفته، رأی دادند، شکل تعدیل شده و متن مکمل طرح قانون در معرض رأی گیری نهایی قرار می گیرد.^{۳۲} در حقیقت بعد از آنکه نمایندگان به تک تک مواد رأی دادند، طرح تصویب شده محسوب می گردد. اما از آن جایی که ممکن است با عدم رأی مثبت به برخی مواد طرح و یا تعدیل آن، طرح از نظر شکلی به هم بریزد. لذا تنظیم فصول و اصلاح عبارت ها ضروری است که در این اقدام ویرایشی، تغییر و تبدیل مفاهیم محتمل است، به همین دلیل مرتب نمودن آن توسط کمیسیون ذریبط یا دستگاه اداری مجلس بخاطر رفع به هم ریختگی شکلی قانون، ضروری به نظر می رسد. بعد از تکمیل این موارد برای اطمینان خاطر، رأی گیری نهایی صورت گرفته و قانون تصویب می شود.^{۳۳}

بر اساس قانون اساسی ولسی جرگه نمی‌تواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یک ماه به تأخیر اندازد.^{۳۴} که این معیار در مورد جایی که دولت در خواست اجازه اعطا و یا اخذ وام و قرضه را دارد کمتر بوده و به پانزده روز تقلیل یافته است و در ولسی جرگه نمی‌تواند تصویب اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روز به تأخیر اندازد. هر گاه در این مدت راجع به پیشنهاد اخذ و اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند پیشنهاد تصویب شده محسوب می‌گردد.^{۳۵}

۵- ارجاع به مشرانو جرگه

کلیه طرح‌های ارایه شده از جانب دولت به ولسی جرگه و همچنین طرح‌های پیشنهادی اعضای ولسی جرگه بعد از تصویب مطابق قانون اساسی باید به مشرانو جرگه ارجاع داده شود «ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می‌سپارد»^{۳۶} البته این مورد یک استثناء دارد و آن تدوین بودجه سالیانه است. به این صورت که قانون اساسی افغانستان برای تدوین قانون بودجه و برنامه‌های توسعه ملی ساز و کار ویژه‌ای را پیش بینی نموده است؛ که دولت را موظف نموده تا طرح‌های بودجه‌ای خود را با مشوره مشرانو جرگه تدوین نموده آنگاه برای تصویب به ولسی جرگه فرستاده شود. که با تصویب طرح مزبور در ولسی جرگه، برای تبدیل شدن به قانون، نیازی به تصویب دوباره در مشرانو جرگه نمی‌باشد.^{۳۷}

۶- تصویب طرح در مشرانو جرگه

کلیه مصوبات ولسی جرگه، بعد از اینکه در مشرانو جرگه تقدیم می‌گردد، برای تصویب در این مجلس همان مراحل را که در ولسی جرگه مطرح شد می‌گذراند. مدت زمان تصمیم‌گیری در مورد طرح‌های که از ولسی جرگه واصل گردیده است پانزده روز می‌باشد.^{۳۸} مشرانو جرگه نیز مانند ولسی جرگه، حق ابتکار و ارایه قانون را دارا می‌باشد و صلاحیت دارد طرح قانون را توسط ده نفر از اعضای خویش با انضمام یاد داشت توضیحی مبنی بر ضرورت طرح قانون و امضای اعضای پیشنهاد کننده - مطابق ماده ۹۷ قانون اساسی

- در فهرست کار مجلس قرار گیرد.^{۳۹} چنین طرحی - مطابق مواد نود و چهارم و صدم قانون اساسی - لزوماً بعد از تصویب باید به ولسی جرگه فرستاده شود تا تصمیم نهایی در مورد آن أخذ گردد.

۷- اختلاف دو مجلس و راه حل آن

مطابق ماده صد قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان «هر گاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود هیئت مختلط به تعداد مساوی از هر دو مجلس تشکیل می‌گردد.» اعضای این هیئت مختلط به پیشنهاد کمیسیون مربوطه و تصویب جلسه‌ی عمومی تصویب می‌گردند. این هیئت در اولین جلسه که به ریاست مسن‌ترین عضو آن برگزار می‌شود، رئیس و معاون خود را انتخاب می‌کند طوری که رئیس از یک مجلس و معاون از مجلس دیگر انتخاب می‌گردد. هیئت مختلط بر اساس دستورالعمل کمیسیون‌های تلفیقی مباحثات خود را روی طرح مورد اختلاف مطرح می‌کند، وزیری را که طرح قانون را پیشنهاد نموده را به جلسه دعوت می‌کنند و توضیحات لازم را از وی می‌خواهند.^{۴۰} در صورتی که روی طرح مزبور توافق حاصل گردد آن طرح مصوب محسوب شده که بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.^{۴۱}

۸- توشیح و انتشار قوانین

از آن جا که رئیس جمهور، رئیس حکومت و رهبری قوه مجریه را به عهده دارد لازم است که قانون مصوب مجلس شورای ملی افغانستان، برای این که قدرت اجرایی پیدا کند، به امضاء رئیس قوه مجریه برسد. قانون اساسی افغانستان توشیح و امضای مصوبات پارلمان را جزء وظایف ریاست جمهوری دانسته است.^{۴۲} و در جای دیگر نیز تصریح دارد «قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.»^{۴۳} بنابراین، رئیس جمهور موظف به امضاء آن است. بعد از تصویب طرح قانون در مجلس شورای ملی و تقدیم به ریاست جمهوری؛ رئیس جمهور پانزده روز مهلت دارد که آن را امضاء نماید. در صورت عدم موافقت، رئیس جمهور موظف است در مدت زمانی مذکور با ذکر دلایل آن را

به مجلس نمایندگان شورای ملی مسترد نماید. در صورتی که در این مهلت زمانی، رئیس جمهور از توشیح و امضای مصوبه شورای ملی استنکاف نماید و آن را به مجلس عودت هم ندهد، مصوبه مزبور توشیح شده محسوب می‌گردد. همچنین اگر مصوبه استرداد از سوی رئیس جمهور، در مجلس نمایندگان شورای ملی مجدداً با آرای دو سوم کل نمایندگان تصویب شود؛ بدون نیاز به امضاء و توشیح رئیس جمهور، توشیح شده محسوب می‌گردد.^{۴۴} قوانین توشیح شده از طریق جریده رسمی چاپ و نشر می‌گردد. «واحکام قانون بعد از نشر قابل تطبیق می‌گردد»^{۴۵}

نظارت پارلمانی

هر چند بر اساس نظریه تفکیک قوا مهم ترین کارکرد و صلاحیت پارلمان، قانونگذاری و وضع قوانین است و قوه مجریه در اجرای آن مستقل و آزاد است. اما تفکیک مطلق قوا شعاری بیش نیست و تحقق خارجی ندارد؛ و همان طور که بیان شد مدل روابط قوا، که در قانون اساسی افغانستان پی ریزی گردیده است. این امر به معنای آن است که در بیشتر موارد وقتی یکی از قوای سه گانه قدرت خود را به مورد اجرا می گذارد، دو قوه دیگر تا حدودی درگیر موضوع می باشند.^{۴۶}

بنابراین، علاوه بر وظیفه قانون گذاری یک سری اختیارات ویژه دیگری نیز به پارلمان های کشورها مطابق قوانین اساسی آنان داده می شود که در حقیقت «کار ویژه نظارت پارلمانی یکی از اساسی ترین وظایف این نهاد بعد از قدرت تصویب قانون است. مهم ترین شکل نظارت پارلمان بر قوه مجریه استفاده از ابزارهایی است که قانون در اختیار پارلمان قرار داده و این دستگاه به وسیلهی آن می تواند از مسؤولیت سیاسی این مقامات در برابر خود استفاده کند. حربهی رأی عدم اعتماد به دنبال استیضاح یا تصویب مصوبه های سانسور دولت و همچنین پرسش های کتبی و شفاهی از وزیران و نخست وزیران در رژیم های پارلمانی و تحقیقات پارلمانی از زمره وسایلی است که پارلمان را واجد قدرت نظارت بر اعمال اجرایی می کند»^{۴۷}.

بر این اساس، شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان صلاحیت دارد تا بر دولت و قوه مجریه، در مراحل گوناگون، از تشکیل تا روند کارها و فعالیت های آن، نظارت داشته باشد. زیرا پارلمان و شورای ملی نمایندگی طیف های مختلف جامعه را دارد، از طرفی قوهی مجریه با اختیارات و امکانات وسیعی که دارد، بیم آن می رود که از قدرت و اختیارات خویش سوء استفاده نموده و موجبات استبداد و بی عدالتی را فراهم سازد. اینک مطابق اصول و مواد قانون اساسی افغانستان به بررسی این قسمت از صلاحیت نمایندگان مجلس شورای ملی افغانستان می پردازیم.

۲-۱. نظارت سیاسی

همان طور که قبلاً یاد آور شدیم نظام سیاسی افغانستان، نظام ریاستی می باشد که رئیس جمهور به طور مستقیم توسط رأی اکثریت مردم انتخاب می گردد. بر این اساس، می بایست هیئت وزیران و کابینه دولت توسط ریاست جمهوری عزل و نصب گردیده و این امر از اختیارات و وظایف رئیس جمهوری باشد. اما قانون اساسی افغانستان، با توجه به تاریخ افغانستان و خودکامگی ها و خود سری های حکمرانان و فرمان روایان گذشته، تدابیری اندیشیده است، تا عقب گرد تاریخی صورت نپذیرد و در جامعه توسعه نیافته افغانستان استبداد قانونی شکل نگیرد. به همین نسبت، انتصاب وزیران که یک عمل صرفاً اداری محسوب می گردد، را به عهده شخص رئیس جمهور گذاشته است اما تأیید آن که یک عمل دارای ماهیت سیاسی می باشد، از صلاحیت های شورای ملی می باشد.^{۴۸}

لذا، رئیس جمهور در آغاز کار کابینه، لیستی شامل نام افراد وزارت خانه هایی که به آنان پیشنهاد شده را به مجلس نمایندگان تقدیم می کند که نمایندگان ضمن بررسی سوابق و مدارک وزرا پیشنهاد شده و شنیدن برنامه های وزیران به هر یک از آنان رأی اعتماد می دهد. که مسلماً بدون اخذ رأی اعتماد، وزیر پیشنهادی متصدی وظیفه وزارت به عنوان وزیر نمی گردد، و اصلاً حکومت که «متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می نمایند.»^{۴۹} بدون رأی اعتماد مجلس نمایندگان مشروعیت ندارد.

در مقابل، اعضای حکومت در برابر نمایندگان مجلس مسئولیت سیاسی دارند. مسئولیت سیاسی، با مسئولیت های کیفری و مدنی متفاوت است و ماهیت قضایی ندارد؛ بلکه به خاطر عدم اتفاق و تفاهمی است که ناشی از اعمال سیاسی دولت ایجاد می‌شود. این عدم تفاهم، در نظام های ریاستی مورد قضاوت رئیس جمهور و در نظام های پارلمانی مورد قضاوت قوه مقننه قرار می‌گیرد. این مسئولیت فاقد ضمانت اجرای جزایی و مدنی است و ضمانت اجرای آن عزل و یا کناره گیری از مقام سیاسی مورد تصدی می‌باشد.^{۵۰}

وزرای دولت بنا به وظایف مهم که دارند و تأثیر گذاری عمل آنان در سرنوشت مردم، در مقابل نمایندگان ملت باید پاسخگو باشند. قانون اساسی افغانستان به نمایندگان این حق را داده است تا ضمن نظارت کافی بر عمل اعضای کابینه همواره آنان را زیر ذره بین نظارتی خود قرار داده و از راهکارهایی چون: سؤال و استیضاح وزرا بر عملکرد آن ها نظارت نمایند. بدین منظور، نمایندگان شورای ملی افغانستان در ولسی جرگه می‌توانند نسبت به استیضاح هر یک از وزیران و اعضای کابینه یا حتی کل آنان اقدام نمایند که در صورت عدم قابل قبول واقع شدن دفاعیات، وزیر استیضاح شده، رضایت نمایندگان را فراهم ننماید ولسی جرگه می‌تواند با دادن رأی عدم اعتماد، وزیر مزبور را از کار برکنار نماید.^{۵۱}

به علاوه هر یک از کمیسیون های هر دو مجلس شورای ملی می‌توانند از هریک از وزرا در حیطه ی کاری شان سؤال نمایند.^{۵۲} این سؤالات ممکن است به صورت شفاهی و یا تحریری مطرح گردد. که هر یک از اعضای مجلس در حین جلسه ای که وزیر فرا خوانده شده است یک سؤال را می‌تواند مطرح نماید که وزیر به آن پاسخ شفاهی خواهد داد.^{۵۳}

۲-۲. نظارت بر معاهدات بین المللی

برخی از اعمال قوه مجریه و حکومت «به لحاظ اهمیت حساسیت امر و برای رعایت منتهای احتیاط در جهت حفظ منافع جامعه تحت نظارت شدید پارلمان قرار می‌گیرد. بدین معنی که اعمال مورد نظر فقط با کسب اجازه قبلی و تصویب مجلس قابل اجرا است. این نظارت را می‌توان «نظارت استصوابی» نامید.^{۵۴} حق مجلس شورای ملی در تصویب معاهدات بین المللی یکی از این موارد می‌باشد.

معاهده، هرگونه توافق منعقد کتبی میان اشخاص یا تابعان حقوق بین المللی (کشورها و سازمان های بین المللی) است، به شرطی که طبق مقررات حقوق بین الملل تنظیم شده و این مقررات بر آن حاکم باشد و در نتیجه آثار حقوقی مشخص را به بار آورند. عنوان چنین توافقی هر چه باشد مؤثر در مقام نیست (معاهده، عهدنامه، قرارداد، موافقت نامه، کنواسیون، منشور، میثاق، پیمان، اساس نامه، پروتکل، اعلامیه، قرار سازش و مانند این ها).^{۵۵}

قانون اساسی افغانستان برای معاهدات بین المللی جایگاه رفیعی قایل شده که مطابق آن «دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.»^{۵۶} از بیان این ماده از قانون اساسی چنین بر می آید که قانون گذار اساسی افغانستان معاهدات بین الملل را مقدم بر قوانین عادی داخلی و همپراز با قانون اساسی دانسته است.^{۵۷} با توجه به اهمیت این امر، با اینکه انعقاد پیمان ها جزء وظایف دیپلماتیک قوه مجریه است. اما قانونگذار اساسی با درک اهمیت، جهت حفظ و صیانت از منافع ملی، اجرای مفاد آن را جزء صلاحیت های شورای ملی افغانستان قرار داده است.^{۵۸}

۲-۳. نظارت اختصاصی

جهت نظارت هر چه بیشتر بر اعمال حکومت، قانون اساسی افغانستان به مجلس نمایندگان شورای ملی اجازه داده است تا با تأسیس کمیسیون اختصاصی به بررسی و مطالعه اعمال حکومت اقدام نماید «ولسی جرگه (مجلس نمایندگان) صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید.»^{۵۹} مسلماً تأسیس چنین کمیسیون نظارتی ضمانت بسیار قوی در جهت اجرا شدن هر چه صحیح قوانین و جلوگیری از حیف و میل های دستگاه اجرایی خواهد بود.

۲-۴. نظارت مالی

یکی دیگر از ابزار مهم و مؤثر کنترل قوه مجریه است که در اختیار پارلمان می‌باشد. در حقیقت «موضوع اختیارات پارلمان در زمینه قوانین مالی و به ویژه تصویب بودجه دولت، از آن گونه اهمیتی برخوردار است که عده بسیاری از علمای حقوق عمومی آن را سوای قدرت قانون گذاری مورد بحث و بررسی قرار می دهند. اهمیت قدرت پارلمان، ریشه تاریخی دارد زیرا پیدایش پارلمان، پیش از هر دلیلی دیگر، بر اساس کسب امتیاز شهروندان از حکام، در موارد مالیه عمومی بوده است تا صلاحیت سیاسی و قانون گذاری آن»^{۶۰}

شورای ملی افغانستان، هم در تدوین لایحه آن و هم در تصویب آن نقش مهمی دارد. لوایح مربوط به بودجه توسط دولت با مشوره مشرانو جرگه تنظیم می‌گردد و برای تصویب به ولسی جرگه تقدیم می‌شود که بعد از تصویب آن در ولسی جرگه و توشیح رئیس جمهور آن وقت قابلیت اجرایی پیدا می‌کند. همچنین هرگونه أخذ وام و یا اعطای قرضه باید به تصویب شورای ملی برسد. به علاوه دولت موظف است در پایان هر سال مالی، گزارش اجمالی از بودجه آن سال و تا پایان نیمه اول سال بعد، حساب قطعی و تفصیلی بودجه سال مالی قبل را به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.^{۶۱}

۲-۵. نظارت قضایی

قانون اساسی افغانستان، مانند بسیاری از قوانین اساسی سایر کشورها، برای قوه مقننه نوعی صلاحیت قضایی نیز قائل شده است. بدین معنا که رئیس جمهور که بالاترین مقام سیاسی کشور و عهده دار رهبری مملکت و ریاست حکومت می‌باشد، تعقیب و محاکمه وی در صلاحیت شورای ملی قرار دارد؛ بدین صورت، مطابق قانون اساسی افغانستان مجلس نمایندگان شورای ملی صلاحیت دارد تا طرح اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت بنماید.^{۶۲}

سایر صلاحیت های شورای ملی افغانستان

۳-۱. انتصاب مقامات بلند پایه

باتوجه به جایگاه بلند ویژه نمایندگان پارلمان، که به نحو دموکراتیک مشروعیت دارند، و جامعه سنتی و قبیله‌ای افغانستان و پرهیز از هرگونه تبعیض قومی، مذهبی و نژادی و رعایت عدالت اجتماعی؛ قانون اساسی افغانستان انتصاب برخی از مقامات بلند پایه قضایی و کشوری را جزء وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس شورای ملی قرار داده است، مانند دادستان کل (لوی ثارنوال)، رئیس امنیت ملی، رئیس بانک مرکزی، رئیس جمعیت افغانی سره میاشت (هلال احمر)، رئیس و اعضای ستره محکمه (دادگاه عالی) البته به این نکته باید توجه داشت که مقامات مذکور از طرف رئیس جمهور به مجلس نمایندگان شورای ملی معرفی می شوند و احراز مقام آنان منوط به تأیید و تصویب ولسی جرگه می باشد که عزل و استعفای آنان نیز باید به تأیید شورای ملی برسد.^{۶۳}

۲-۳. تعیین سیاست های کلان کشور

سیاست های کلان و کلی کشور، که از وظایف ریاست جمهوری است، بایستی به تأیید و تصویب مجلس شورای ملی برسد. همچنین اعلان جنگ یا صلح، فرستادن قطعات نیروهای مسلح به خارج از کشور، و اعلان حالت اضطراری که همه از وظایف رئیس جمهور می باشد نیازمند تأیید و تصویب شورای ملی است.^{۶۴}

۳-۳. پذیرش استعفای رئیس جمهور

شورای ملی مرجعی است که رئیس جمهور می تواند شخصاً استعفای خود را به آن تقدیم نماید.^{۶۵}

۴-۳. تعیین معاون رئیس جمهور

در صورت وفات یکی از معاونین رئیس جمهور، جایگزین آن از طرف رئیس جمهور به مجلس معرفی و مجلس شورای ملی می تواند فرد مزبور را تأیید یا رد نماید.^{۶۶}

۵-۳. تأیید حالت اضطراری

یکی از صلاحیت های نمایندگان پارلمان افغانستان تأیید حالت اضطراری است که خود پیامدهای ویژه را در برداشته و «فصل نهم» از قانون اساسی را به خود اختصاص داده است.

«هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم، آفات طبیعی ویا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، نا ممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود. هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام یابد، برای تمدید آن، موافقت شورای ملی شرط است. و درحالت اضطرار رئیس جمهور می تواند به مشوره روسای شورای ملی و ستره محکمه، بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.»^{۶۷}

نتیجه

با مطالعه موادی از قانون اساسی درمیابیم که نمایندگان شورای ملی افغانستان یک سلسله وظایف مشخص و معین قانونی دارند؛ که گذشته از شعار و تبلیغات و بوق و کرنای سیاسی، که معمولاً با نزدیک شدن ایام انتخابات شاهد آن بودیم، نیازمند آن است تا همواره افراد لایق و شایسته و آگاه به مسایل سیاسی و حقوقی را به عنوان نمایندگان خود راهی پارلمان نماییم. این وظایف شامل قانون گذاری متناسب با نیازمندی های کشور در جهت رفع مشکلات و توسعه و پیشرفت و نظارت بر اجرای صحیح قوانین از طرف قوه مجریه و کنترل آن نهاد و همچنین سیاست گذاری های کلان کشور و تأیید مقامات عالی رتبه کشوری می باشد. اموری که اگر به دقت و درستی و مطابق قانون اساسی و مصالح علیای ملی و اجتماعی صورت بگیرد به یقین مسیر تحولات سیاسی و اجتماعی به سوی بهبودی و صلاح سوق داده خواهد شد، و در صورت خلاف، پیامدهای آن نیز ناشایست و بر خلاف مصالح کشور و منجر به عقب ماندگی اجتماعی خواهد گردید.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، قم، انتشارات وفایی، چاپ دوم ۱۳۷۴، ج ۲ ص ۵۴۴
- ۲ - سایت، پارلمان افغانستان، تاریخچه مجلس شورای ملی.
- ۳ - قانون اساسی افغانستان، م ۸۲.
- ۴ - قانون اساسی افغانستان، م ۸۳.
- ۵ - قانون اساسی افغانستان، م ۸۵.
- ۶ - قانون اساسی افغانستان، م ۸۵.
- ۷ - قانون اساسی افغانستان، مواد ۸۷ و ۸۸.
- ۸ - اصول و وظایف داخلی (آیین نامه داخلی) مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) افغانستان، ماده ۱۸.
- ۹ - رنی، آستین، حکومت، ترجمه لیلا سازگار، تهران مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۳۲۵.
- ۱۰ - قاضی، ابو الفضل، بایسته های حقوق اساسی، تهران نشر میزان، چاپ نودهم ۱۳۸۴، ص ۲۱۳.
- ۱۱ - قانون اساسی افغانستان، م ۵۶.
- ۱۲ - قانون اساسی افغانستان، م ۲۲.
- ۱۳ - قاضی، ابولفضل، بایسته ها، ص ۴۶.
- ۱۴ - قانون اساسی افغانستان، م ۵۶.
- ۱۵ - کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران شرکت سهامی انتشارات، چاپ سی و سوم ۱۳۸۲، ص ۱۲۹.
- ۱۶ - قانون اساسی افغانستان، م ۷۹.

- ۱۷ - قانون اساسی افغانستان ، م ۷۱.
- ۱۸ - قانون اساسی افغانستان ، مواد ۷۹ و ۹۰.
- ۱۹ - قانون اساسی افغانستان، فقره آخر م ۸۱.
- ۲۰ - قانون اساسی افغانستان ، م ۱۱۰.
- ۲۱ - قانون اساسی افغانستان، م ۹۵.
- ۲۲ - قانون اساسی افغانستان، همان ماده
- ۲۳ - قانون اساسی افغانستان ، م ۹۷.
- ۲۴ - اصول و وظایف داخلی مجلس، م ۷۵.
- ۲۵ - اصول و وظایف داخلی مجلس ، م ۷۸.
- ۲۶ - اصول و وظایف داخلی مجلس ، م ۷۶.
- ۲۷ - اصول و وظایف داخلی مجلس ، م ۲۶.
- ۲۸ - اصول و وظایف داخلی مجلس ، مواد ۳۲ و ۳۳.
- ۲۹ - اصول و وظایف داخلی مجلس ، م ۷۹.
- ۳۰ - اصول و وظایف داخلی مجلس ، مواد ۸۱ و ۸۲.
- ۳۱ - اصول و وظایف داخلی مجلس ، م ۴۹.
- ۳۲ - اصول و وظایف داخلی مجلس ، م ۸۸.
- ۳۳ - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ دهم ۱۳۸۴، جلد دوم، ص ۱۴۶.
- ۳۴ - قانون اساسی افغانستان، م ۹۷.
- ۳۵ - قانون اساسی افغانستان همان، م ۹۸.
- ۳۶ - قانون اساسی افغانستان، م ۹۸.
- ۳۷ - قانون اساسی افغانستان ، م ۹۸.

- ۳۸ - قانون اساسی افغانستان، ماده ۹۷.
- ۳۹ - اصول و وظایف داخلی مجلس سنا (مشرانو جرگه)، ماده ۷۶.
- ۴۰ - اصول و وظایف داخلی مجلس سنا، م ۹۴.
- ۴۱ - قانون اساسی افغانستان، م ۱۰۰.
- ۴۲ - قانون اساسی افغانستان، بند ۱۶ م ۶۴.
- ۴۳ - قانون اساسی افغانستان، م
- ۴۴ - قانون اساسی افغانستان، م ۹۴.
- ۴۵ - قانون مدنی افغانستان، م ۱۰.
- ۴۶ - مشتاقی، رامین، رهنمون حقوق اساسی افغانستان، ترجمه حسین غلامی، موسسه ماکس پلانک، چاپ اول ۱۳۸۷، جلد اول، ص ۸۱.
- ۴۷ - قاضی، ابولفضل، بایسته ها، ص ۲۲۹.
- ۴۸ - قانون اساسی افغانستان، بند ۱۱ ماده ۶۴ و بند ۳ ماده ۹۲.
- ۴۹ - همان، م ۷۱.
- ۵۰ - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، ج ۲، ص ۲۰۸.
- ۵۱ - قانون اساسی افغانستان، مواد ۹۱، ۹۲ و اصول و وظایف، م ۱۰۰.
- ۵۲ - قانون اساسی افغانستان، م ۹۳.
- ۵۳ - اصول و وظایف، مواد ۹۶ و ۹۷.
- ۵۴ - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، ج ۲، ص ۱۷۶.
- ۵۵ - ضیایی بیگدلی، دکتر محمد رضا، حقوق بین الملل، تهران، گنج دانش، چاپ نوزدهم ۱۳۸۲، ص ۸۳.
- ۵۶ - قانون اساسی افغانستان، م ۷.
- ۵۷ - محمدی، عبدالعلی، فصل نامه گفتمان نو، سال ۳، شماره ۱۰، تابستان ۷۵.

-
- ۵۸ - قانون اساسی افغانستان، م ۹۰.
- ۵۹ - قانون اساسی افغانستان، ۸۹.
- ۶۰ - قاضی، ابولفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان ۱۳۸۳، ص ۴۴۲.
- ۶۱ - قانون اساسی افغانستان، مواد ۹۰، ۹۷، و ۹۸.
- ۶۲ - قانون اساسی افغانستان، مواد ۶۹ و ۱۲۷.
- ۶۳ - همان، بند ۱۱ مواد ۶۴ و ۹۱.
- ۶۴ - قانون اساسی افغانستان، م ۶۴.
- ۶۵ - قانون اساسی افغانستان، ۶۷.
- ۶۶ - قانون اساسی افغانستان، ماده ۶۸.
- ۶۷ - قانون اساسی افغانستان، مواد ۱۴۳ و ۱۴۴.